

بررسی فاکتورهای محیطی و ژنتیکی در ارتباط با تشنج ناشی از تب در کودکان

فریبا اسدی نوقابی، طاهره صادقی، معصومه نیشابوری

مقدمه: تشنج ناشی از تب یکی از شایعترین تشنجات ناشی از تب در کودکان می‌باشد. عواملی که باعث تشنج ناشی از تب می‌شود شامل سن، جنس، زمینه ژنتیکی می‌باشد و عواملی که باعث افزایش احتمال عود تب و تشنج می‌شود مانند: ابتلاء به تب و تشنج زیر سن 1/5 سالگی، سابقه خانوادگی تب و تشنج، تشنج با تب زیر ۴۰ درجه سانتیگراد، تشنج در یک ساعت اول افزایش تب و غیره می‌باشد هدف از این مقاله بررسی تأثیر هر یک از فاکتورهای مؤثر بر تشنج ناشی از تب می‌باشد.

روش کار: در این مقاله توصیفی تحلیلی ۶۰ کودک با تشخیص تشنج ناشی از تب به اورژانس بیمارستان آموزشی بندرعباس مراجعه کردند بعد از مسجل شدن تشخیص توسط پزشک در پژوهش مربوطه شرکت کردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای با دو بخش مشخصات دموگرافیک و فاکتورهای مؤثر بر تشنج ناشی از تب تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه مربوطه توسط پرسشگر با استفاده از پرونده کودک تکمیل و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین سنی کودکان شرکت کننده ۱۸/۰+۹/۱ ماه، ۵۵/۷ درصد پسر، ۶۵/۷ درصد تشنج در طی ۲۴ ساعت اول بعد از وقوع تب اتفاق افتاده بود، ۳۴/۳ درصد قبلاً تشنج ناشی از تب را تجربه نکرده بودند، ۸۲ درصد تشنج ناشی از تب از نوع ساده، ۹۰ درصد کودکان بعد از تشخیص نهایی تب به علت عفونت سیستم تنفسی بوده است. ۴/۱۱ درصد سابقه صرع در خانواده را داشتند و ۴/۳ درصد از نظر تکاملی دچار مشکل بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: تشنج ناشی از تب در پسرها و گروه سنی کمتر از ۱۳-۲۴ ماه بیشتر، ۲۴ ماه بیشتر، ۲۴ ساعت اول بعد از تب و عفونت دستگاه تنفس مهمترین عوامل مؤثر بر تشنج ناشی از تب در کودکان می‌باشد.

کلمات کلیدی: تشنج ناشی از تب، فاکتورهای محیطی، فاکتورهای ژنتیکی.

نیاز سنجی بیماران صرعی و خانوادگی آنان در مراجعه کنندگان مرکز آموزشی درمانی حضرت ولی عصر (عج) زنجان

فریدون اسکندری: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت پرستاری، مدیر کیفیت مرکز آموزشی

درمانی آیت ا. موسوی

سهیلا ربیع سیاهکلی: کارشناس ارشد پرستاری گرایش داخلی جراحی، مربی دانشکده پرستاری

مامایی زنجان

رضا شامی: کارشناس پرستاری، مدیر مرکز آموزشی درمانی آیت ا. موسوی

علیرضا شغلی: *PhD* مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زنجان

مقدمه: صرع به عنوان یک نشانه باعث می شود که قسمتی از مغز کار خود را انجام نداده و تکرار آن و همچنین خطرات ناشی از تشنجات می تواند عواقب جبران ناپذیری در زندگی بیماران بگذارد. لذا نیازسنجی این بیماران می تواند به عنوان یک گام مهم برای تعیین اولویت های مراقبتی جهت همکاری و ادامه درمان انجام شود.

هدف: هدف این پژوهش تعیین نیازهای بیماران صرعی و خانواده آنان در مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی ولیعصر است.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی تحلیلی بوده که در یک گروه ۳۴ نفری از کودکان صرعی ۶ - ۱۲ سال مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی حضرت ولی عصر (عج) و همچنین ۶۸ نفر از والدین آنان در شهر زنجان انجام شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه استاندارد نیازسنجی بود. که پس از انجام روایی و پایایی ابزار و انتخاب واحدهای مورد پژوهش با معیار ورود نمونه بیماران و خانوادگی آنان نیاز سنجی بعمل آمده و داده های بدست آمده از طریق نرم افزار *SPSS* و با آزمون مجذور کای مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: ۹۷/۲ درصد نیاز به آموزش جهت نحوه مراقبت از خود در بیماران، ۸۷/۴ درصد نیاز به آموزش جهت پیشگیری از حمله و ۷۲/۷ درصد نیز در مورد خود بیماری نیاز به آگاهی و اطلاعات داشتند. در رابطه با خانوادگی آنان نیز نیاز به آگاهی پیگیری درمان و نشانه های

اخطار دهنده، ارائه پیش آگهی و اقدامات اولیه در زمان تشنج کودک و افزایش آگاهی جامعه و معلمین مدارس از نحوه برخورد با بیماران صرعی و رفتار با آنها همانند سایر کودکان، مهمترین موارد اعلام شده بود که ارتقاء آنها می‌توانست تأثیر مهمی در کاهش استرس آنان بگذارد. همچنین اختلاف معنی‌داری در رابطه با تفاوت‌های دموگرافیک با اولویت‌بندی نیازها مشاهده گردید ($P < 0/05$)

نتیجه‌گیری: در بدو ورود بیماران نیازسنجی از آنها و خانواده‌شان انجام و اولویت‌بندی شده و اساس مراقبت بر اساس بیمار و خانواده وی طرح‌ریزی گردد.
کلمات کلیدی: صرع، والدین، نیازسنجی.

بررسی میزان آگاهی و عملکرد مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در رابطه با اسید فولیک سال ۱۳۸۷

زهرا اکبری اوغاز، نسرين توکلی، سید علی هوشیار، فرزانه ارنوایی: عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
گیتی زعفری: مربی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

مقدمه: اختلال لوله عصبی (*NTD*) دومین بیماری شایع مادرزادی بعد از بیماری قلبی می باشد که ناشی از اختلال در بسته نشدن لوله عصبی می باشد به علت عدم مشاوره قبل از بارداری میزان مشاهده موارد *NTD* در ایران بالاتر از استاندارد جهانی به نظر می رسد اسید فولیک به دلیل نقشی که در ساخت *DNA* و تقسیم یاخته ای دارد، از ویتامین های مهم دوره بارداری به شمار می آید. یاخته هایی که، رشد و تکثیر بسیار سریعی دارند مانند یاخته های جنینی، به همین دلیل نیاز به اسید فولیک در دوره بارداری دو چندان می گردد این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی و عملکرد مادران در رابطه با اسید فولیک برای پیشگیری از بروز نقص عصبی جنین انجام گردید.

مواد و روشها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی است و نمونه ها در این پژوهش ۳۰۰ نفر بودند، که از میان ۱۰ مرکز بهداشتی درمانی شهر مشهد که، به صورت تصادفی و چند مرحله ای انتخاب شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات فرم مصاحبه بود که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوی و اعتماد آن از طریق ضریب α کرانباخ (برای پرسشنامه آگاهی ۰/۸۶، برای پرسشنامه عملکرد ۰/۷۹) تأیید گردید. جمع آوری اطلاعات یک مرحله ای از طریق مصاحبه با واحد پژوهش در مراکز بهداشتی و درمانی صورت گرفت. اطلاعات استخراج شده از طریق آمار توصیفی مانند شاخصهای گرایش مرکزی و شاخصهای پراکندگی و آمار تحلیلی مانند آزمون مجذور کای، آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم افزار *SPSS* ورژن ۱۲، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که ۷۶/۲ درصد افراد دارای آگاهی متوسط، ۱۲/۹ درصد آگاهی بالا، ۱۰/۹ آگاهی پایین داشتند در حالیکه ۵ درصد نمونه ها عملکرد قابل قبول، ۵۱/۵ درصد عملکرد متوسط و ۴۳/۵ درصد عملکرد ضعیف داشتند همچنین بین نمره آگاهی و نمره عملکرد همبستگی مثبت معنی داری وجود داشت. $P = .004$

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه بیش از نیمی از افراد دارای آگاهی متوسط به بالا هستند تنها ۵ درصد واحدهای پژوهش عملکرد قابل قبول دارند، تغییر روش آموزش، در رابطه با اسید فولیک به طوری که تبدیل به تغییر رفتار گردد احساس می‌شود که گامی بسیار مهم در جهت ارتقاء سلامت جامعه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اسید فولیک، نقص سیستم عصبی (*NTD*)، مادران، آگاهی، عملکرد.

بررسی سابقه تشنج در مبتلایان به اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی

مهدی بکائیان، غلامرضا محمدی: اعضاء هیات علمی دانشکده پرستاری نیشابور

مقدمه و هدف: تشنج یک اختلال فیزیولوژیک گذرای مغزی و ناشی از دشارژهای الکتریکی غیر طبیعی گروهی از نرونهای قشر مغز است. صرف نظر از علل بوجود آورنده، با وجود همراهی آن با اختلالات روانپزشکی بویژه اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی (*ADHD*) در کودکان که خود از شایعترین علل مراجعه کودکان به مراکز روانپزشکی می‌باشد، مطالعه‌ای درباره وجود سابقه تشنج در این افراد در کشور ما صورت نگرفته است. مطالعه حاضر با هدف تعیین فراوانی سابقه تشنج در کودکان مراجعه کننده به مرکز روانپزشکی ابن سینا مشهد انجام شده است.

مواد و روشها: این مطالعه توصیفی گذشته‌نگر بوده و در آن ۱۶۰ کودک با تشخیص *ADHD* مراجعه کننده به مرکز روانپزشکی ابن سینا مشهد که طی ۶ ماه گذشته تحت معاینه و درمان سرپایی قرار داشتند مورد بررسی قرار گرفتند. برای تمام بیماران شرح حال دقیقی توسط روانشناسان بالینی اخذ گردیده و توسط فوق تخصص روانپزشکی اطفال مورد معاینه روانی و تعیین نوع اختلال قرار گرفته‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده طی شرح حال و معاینه روانی با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی از جمله روابط بین متغیرها مورد پردازش قرار گرفت. **یافته‌ها:** از ۱۶۰ کودک مورد مطالعه ۸۷ نفر پسر و ۷۳ نفر دختر بودند. اغلب آنان در گروه سنی ۷ تا ۱۰ سال قرار داشته و ۵۵ در صد در خانواده کمتر از ۴ نفر بوده و ۶۲ در صد آنان فرزند اول خانواده محسوب می‌شدند. نتایج همچنین نشان داد که از ۱۶۰ کودک مورد مطالعه ۳۲ نفر سابقه حداقل یکبار تشنج را داشته ۱۱ نفر از آنان در زمان مطالعه نیز تحت درمان با داروهای ضد تشنج قرار داشتند.

نتیجه گیری: سابقه تشنج در مبتلایان به *ADHD* فراوانی قابل توجهی داشته و توصیه می‌شود در کودکان با علائم آن معاینه دقیق عصبی از جمله نوار مغزی، سی‌تی‌اسکن و در مواردی *MRI* انجام شود و سوابق درمان و معالجات در خصوص تشنج و ضایعات مغزی دیگر مورد بررسی دقیقتری قرار گیرد.

کلمات کلیدی: تشنج، اختلال کمبود توجه، بیش‌فعالی.

Prevalence of Seizure attacks in children with ADHD

Mehdi Bakaian, Gholamreza Mohammadi: Faculty of Neyshabour Nursing

Introduction: Seizure is a current physiological disorder of brain due to the inappropriat electrical desharged of cortex. However it was seen in children with ADHD one of the most referrals to psychiatric center but this subject is neglected. The aim of this study is the determining the prevalence of the Seizure attacks in children with ADHD.

Methods: In this retrospective study 160 childeren with ADHD that refer to ebn-sina psychiatric center of mashhad during 6 months are analyzed. Historical data for all samples is collected and they are visited by infants psychiatric professor.

Results: the findings revealed that most of them are male(87%) ,between 7 to 10years, their family are less than 4 and 62percent of them are first child.

32 of160 atleast one time have history of Seizure attacks and for 11 child are used anticonvulsive drugs during the study.

Conclusion: The study findings indicated that, the amonts of Seizure attacks in children with ADHD is noticeable and recummende to neurological examinations and EEG, CTscan, and MRI in this children.

بررسی تأثیر برنامه‌ی بازدید منزل بر "آپگار خانواده" کودکان مبتلا به نقایص مادرزادی لوله‌ی عصبی

حمیدرضا بهنام وشانی، امیررضا صالح‌مقدم؛ اعضاء هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد
هاله برومند؛ کارشناس پرستاری و کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، بیمارستان دکتر شیخ مشهد

زمینه و هدف: خانواده به عنوان مددجوی اصلی، در ارتقای بهداشت فرد و جامعه اهمیت به‌سزایی دارد و بر کسی پوشیده نیست. بیماران مبتلا به بیماریهای مزمن که در منازل بستری هستند نیاز به مراقبتهای بالینی مستقیم دارند؛ انجام این نقش به عهده‌ی پرستار می‌باشد. بررسی و شناخت خانواده برای مراقبتهای پرستاری یک معیار اساسی است. چند نوع ابزار برای کمک به پرستار در انجام فرآیند بررسی و شناخت ارائه شده است. یکی از ابزارهایی که جهت بررسی و عملکرد خانواده استفاده می‌شود "آپگار خانواده" است. این ابزار اولین بار توسط "گابریل اسمیلکستین" در سال ۱۹۷۸ ابداع شد. آپگار خانواده ابزاری است جهت کمک به پرستاران برای ارزیابی و شناخت نحوه‌ی فعالیت خانواده در ارتباط با درک فرزند. این ابزار واکنش هر عضو از خانواده را در ۵ زمینه‌ی سازگاری، مشارکت، رشد، وضعیت عاطفی و حل مشکل مورد سنجش قرار می‌دهد (۳). بازدید منزل بهترین روش ارتباطی پرستار با خانواده است؛ زیرا ارزیابی و شناخت خانواده در محیط طبیعی صورت می‌گیرد و گاهی اوقات تنها راه کسب اطلاعات و یا دادن آموزش است (۱). نقایص لوله‌ی عصبی شایع‌ترین نقص سیستم عصبی مرکزی به‌شمار می‌رود. این نقایص ناشی از اشکال در بسته شدن لوله‌ی عصبی بین هفته‌ی سوم و چهارم تکامل جنینی و از علل مرده‌زایی، مرگ و میر نوزادان و معلولیت‌های شدید مادام‌العمر هستند (۱۲ و ۱۳). لذا پژوهشگر بر آن شد تا با توجه به تحقیقات اولیه مطالعه‌ی را تحت عنوان "بررسی آپگار خانواده‌ی کودکان مبتلا به نقایص مادرزادی لوله‌ی عصبی در کودکان بستری در بخش جراحی بیمارستان دکتر شیخ شهر مشهد" انجام دهد.

مواد و روش‌ها: حجم نمونه با عنایت به نمونه‌ی در دسترس در طی ۶ ماه، ۵۰ خانواده مورد مطالعه قرار خواهند گرفت؛ ولی تاکنون ۲۱ خانواده مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. این پژوهش از نوع شبه تجربی می‌باشد؛ ابزار اصلی گردآوری داده‌ها آپگار خانواده است. دامنه‌ی امتیازات کسب شده از آپگار خانواده از صفر تا ۶۴ می‌باشد. امتیاز ۴۱ تا ۶۴ نشان‌دهنده‌ی

فعالیت عالی خانواده؛ امتیاز ۲۱ تا ۴۰ نشان‌دهنده‌ی فعالیت متوسط خانواده؛ و امتیاز صفر تا ۲۰ نشان‌دهنده‌ی فعالیت ضعیف خانواده است. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها، در بخش آمار تحلیلی، برای بررسی تأثیر برنامه‌ی بازدید منزل بر آپگار خانواده از آزمون آماری غیرپارامتریک ویلکاکسون استفاده شد.

یافته‌ها: میزان آپگار خانواده در تمامی موارد ارتقاء یافته است؛ ولی در برخی از این موارد معنی‌دار بوده است؛ به این ترتیب که میزان سازگاری ($p < 0.03$)؛ مشارکت ($p = 0.12$)؛ رشد ($p = 0.36$)؛ عاطفی ($p < 0.002$) و حل مشکل ($p = 0.19$) و همچنین بطور کلی آپگار خانواده ($p < 0.04$) ارتقاء پیدا کرده است. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین آپگار خانواده و سن همبستگی مستقیم ولی با بعد خانوار همبستگی معکوس وجود دارد.

نتیجه‌گیری: برنامه مدون بازدید منزل توانسته است تعامل بین کودک و خانواده را از جنبه‌ی سازگاری خانواده با مشکل کودک و همچنین از لحاظ عاطفی ارتقاء بخشد. به نظر می‌رسد که فقط این موارد می‌توانند در کوتاه مدت تغییر کنند. شاید اگر این مداخله طولانی‌تر باشد سایر موارد هم تحت تأثیر قرار گیرد.

خودپنداری در کودکان مبتلا به صرع و آسم

مهناز جبرائیلی: کارشناس ارشد پرستاری، گرایش آموزش پرستاری کودک و خانواده، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز
جمیله ملکوتی: کارشناس ارشد مامایی، گرایش آموزش مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز

مقدمه: کودکان مبتلا به بیماری مزمن، درد، عدم تحرک ناشی از بیماری و بستری شدن در بیمارستان را تجربه می‌کنند که باعث از دست دادن اعتماد به نفس و شکل‌گیری تصویر ذهنی منفی در کودک می‌شود. رفتاری که کودک از خود نشان می‌دهد انعکاسی از خودپنداری اوست که تحت تأثیر ارتباط کودک با دیگران و درک کودک از واکنش آنها قرار می‌گیرد در واقع کودکان خودپنداری و عزت نفس را از مشاهده واکنش دیگران و درک از تواناییهای خود بدست می‌آورند. پذیرش ناتوانی کودک به ویژه توسط مادر چهارچوب مثبتی را فراهم می‌کند که خودپنداری کودک در آن توسعه می‌یابد.

روش کار: این مطالعه، یک مطالعه *Cross-Sectional* است که نمونه‌های آن را ۷۳ کودک دبستانی مبتلا به بیماری صرع و آسم تشکیل می‌دهد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه خودپنداری بک بوده که از طریق پرسش از کودک پر شده است. از آمار توصیفی و استنباطی نیز جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

نتایج: نتایج نشان داد که ۸۳ درصد کودکان مبتلا به آسم و ۵۱ درصد کودکان مبتلا به صرع خودپنداری مثبت و ۴۹ درصد کودکان مبتلا به صرع خودپنداری منفی داشتند که ۵۹ درصد آنها سن بین ۸-۹ سال داشتند و ۵۵ درصد آنها دختر بودند. آزمون آماری نشان داد که بین نوع بیماری و خودپنداری ارتباط معنی‌داری وجود دارد ($P=0.008$).

نتیجه‌گیری: از آنجائیکه خودپنداری کودک تحت تأثیر اطرافیان بویژه خانواده می‌باشد لذا مراقبین بهداشت مدارس بایستی از طریق آموزش به والدین، معلمان و دانش آموزان آگاهی آنان را در مورد بیماری صرع و برخورد صحیح و مناسب با آنها ارتقاء دهند تا این کودکان از حمایت خانوادگی و اجتماعی مناسب بهره‌مند شوند و کودک به طرف خودپنداری مثبت سوق داده شود.

کلید واژه‌ها: خودپنداری، صرع، آسم.

بررسی اثرات ماساژ بر کاهش سطح اضطراب و استرس کودکان

سید محمدرضا حسینی یزدی: کارشناس پرستاری، سید ناصر لطفی فاطمی: کارشناس ارشد پرستاری

هدف: این مطالعه به منظور بررسی اثر ماساژ درمانی بر سطح اضطراب و استرس کودکان ۵ تا ۸ ساله که دچار نوعی اختلال اضطرابی بویژه در الگوی خواب بودند انجام شد.

روش کار: ۴۲ کودک ۵ تا ۸ سال در این مطالعه شرکت نمودند که ۲۴ نفر آنها پسر و ۱۸ نفر دختر بودند. در سابقه همگی آنها اختلالات الگوی خواب، کابوسهای شبانه، شب ادراری، کج خلقی و... مشاهده می شد. کودکان در یک دوره ۲ هفته‌ای روزانه به مدت نیم ساعت در بعدازظهر تحت ماساژ پشت قرار می گرفتند. شاخص‌های فیزیولوژیک مانند تعداد تنفس، نبض، فشار خون قبل و ۱۰ دقیقه بعد از ماساژ اندازه‌گیری می شد. ضمن آنکه آنالیز مقایسه‌ای بین سطح کورتیزول و نور اپی نفرین موجود در ادرار قبل و بعد از دوره انجام می گردید. فراوانی رویدادهای اختلالات خواب با همکاری والدین ثبت شد. و یافته با استفاده از نرم افزارهای آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که رویدادهای اختلال خواب در ۶۱/۹ درصد (۲۶ نفر) کاهش داشته است و شاخص‌های فیزیولوژیک علائم حیاتی در ۷۳ درصد (۳۱ نفر) تمایل به کاهش را نشان داده است ضمن آنکه سطح کورتیزول و نور اپی نفرین ادرار کاهش معنی‌داری را نسبت به قبل از دوره نشان می دهد.

نتیجه‌گیری: ماساژ پشت یک رویداد جامع‌نگر پرستاری است که به عنوان یک مراقبت آلترناتیو و تکمیلی در کنار سایر اقدامات درمانی پزشکی می تواند هم توسط پرستاران و هم والدین بکار گرفته شود و نقش مؤثری در کاهش سطح اضطراب و استرس مددجویان خردسال داشته باشد.

کلمات کلیدی: ماساژ، اضطراب، پرستاری جامع‌نگر، طب آلترناتیو.

بررسی میزان شیوع افسردگی در مادران کودکان مبتلا به فلج مغزی و ارتباط آن با نوع فلج مغزی کودکان

کلثوم دلدار، محمد ابراهیم شکوری، غلامرضا محمدی، اقدس سعادت، راضیه فروتن
اعضاء هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری نیشابور، بیمارستان واسعی
سبزوار

مقدمه: فلج مغزی (CP) اختلالی در وضعیت و حرکت است که در نتیجه صدمه‌ای غیرپیشرونده به مغز در حال رشد ایجاد گردیده است. کودکان CP محدودیتهای قابل ملاحظه‌ای در فعالیتهای روزانه همانند تغذیه به همراه اختلالات حسی، شناختی و کلامی دارند. این مشکلات باعث می‌شود تا آنها به مراقبتهای طولانی مدتی بیش از آنچه یک کودک سالم نیاز دارد، نیازمند باشند. به همین علت والدین این کودکان در معرض اختلالات روحی و روانی بیشتری نسبت به سایر افراد قرار دارند. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان شیوع افسردگی در مادران کودکان مبتلا به CP و ارتباط آن با نوع CP کودکانشان می‌باشد.

روش اجرا: مطالعه فوق یک پژوهش توصیفی مقطعی می‌باشد. نمونه پژوهش شامل کلیه مادران کودکان مبتلا به CP مراجعه کننده به مرکز بهزیستی نیشابور بود که علاوه بر داشتن رضایت، واجد شرایط حضور در مطالعه نیز بودند. در زمان مراجعه مادران جهت انجام کاردرمانی کودکان، پرسشنامه اطلاعات فردی و همچنین پرسشنامه افسردگی بک تکمیل می‌گردید. صحت ورود داده‌ها به رایانه کنترل و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از نرم‌افزار آماری *spss* صورت گرفت.

نتایج: ۵۵/۶ درصد کودکان مورد مطالعه دختر بوده، نیمی از آنها به CP اسپاستیک و نیمی دیگر به CP هایپوتونیک مبتلا بودند. شایعترین زیر گروه CP، زیرگروه دی پلژی با فراوانی ۳۸/۹ درصد بود. تنها ۱/۱ درصد آنها حاصل دوقلو زایی بودند و ۵۰ درصد کودکان، فرزند اول بودند. ۶۱ درصد کودکان به روش سزارین بدنیا آمده بودند، ۲۷/۸ درصد مادران مصرف اسید فولیک را قبل و حین بارداری نداشتند. میانگین نمره افسردگی مادران $7/58 \pm 11/78$ بود.

بین نمره افسردگی بک با نوع CP (اسپاستیک یا هایپوتونیک) بودن آن ($P=0/42$) و نمره افسردگی با زیر گروههای CP ($P=0/61$) ارتباط آماری معنی داری وجود نداشت.

بحث: وانز و همکاران معتقدند که کیفیت زندگی مادران کودکان مبتلا به CP نسبت به مادران کودکان سالم پایین تر و میزان افسردگی در آنها بالاتر می باشد. لامبرونز و همکاران نیز بیان نموده اند که سطح افسردگی در مادران کودکان cp نسبت به مادران کودکان سالم بالاتر است و این نمره هیچ ارتباط آماری معنی داری با سطح ناتوانی کودکان آنها ندارد. در مطالعه حاضر نیز هر چند سطح افسردگی مادران کودکان CP بالاتر از مادران کودکان سالم بود، ولی هیچ ارتباط آماری معنی داری بین میزان افسردگی مادران و نوع CP کودکان یافت نشد.

واژه های کلیدی: کودکان CP ، مادران، افسردگی.

Depression in mothers of children with cerebral palsy and its relationship to cerebral palsy type

K. Deldar, M.E. Shakouri, G.R. Mohammadi, A. Saadati, R. Froutan
Faculty members of Mashad University of medical science, Neyshabour
Nursing School, Vaseei Hospital – Sabzevar

Introduction: Cerebral palsy (CP) is a disorder of posture and movement as a consequence of non- progressive injury to the immature brain. Children with CP have significant limitations in the activities of daily living such as feeding as well as sensory, cognitive and verbal impairment. Limitations can result in requirements for long- term care that far exceed the usual needs of children as they develop. So parents of disabled children are at greater risk for psychological disorder. The aim of the present study was to evaluate the incidence of depression in mothers of children with cp and its relationship to cerebral palsy type.

Method: In this descriptive cross sectional study all of the mothers of children with cp, referring to rehabilitation center in Neyshabour who had eligible characteristic, were included. Data were collected by demographic questionnaire and Beck Depression Inventory (BDI) .Data were analyzed by SPSS.

Results: 55.6% of children were female; half of them had spastic cp. The most common subtype of cp was diplegia(38.9%). Only 11.1% of them were twine and 50% were the first child. 61% were born by cesarean section. 27.8% of mothers didn't report folic supplement consumption before and during pregnancy. The mean \pm SD of BDI score was 11.78 ± 7.58 . There was no significant correlation between BDI score and cp type ($p=0.42$) and cp subtype ($p=0.61$).

Conclusion: Ones et al. suggested that quality of life in the mothers of children with cp was significantly lower and depression level was higher than those of control mothers. Lambrenos and co-workers proposed that depression level was higher in the mothers of children with CP than in controls but there was no correlation between disability and depression level. In our study the depression score in mothers of children with cp was higher than control, but there was no significant relation between BDI score and cp type or and cp subtypes.

Key words: Children with cp, Mothers, Depression.

بررسی تأثیر میزان احساس درد با نگرانی حالت در کودکان بستری

مریم دیده‌دار: کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اردبیل عضو باشگاه پژوهشگران جوان سینا محجوب: دانشجوی پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
فینا اسلامی: دانشجوی کارشناسی روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد واحد اردبیل

چکیده: سنین کودکی از لحاظ شکل‌گیری شخصیت و تجربیات وابسته به آن دورانی بسیار حساس است و در صورت عدم توجه به روند شکل‌گیری تجربیات در این دوره پس مانده تجربیات کودکی در بزرگسالی آثار زیانباری به دنبال خواهد آورد. هدف مطالعه حاضر بررسی میزان تأثیر نگرانی حالت کودکان در میزان باور و ادراک درد می‌باشد تا در صورت ارتباط این دو متغیر در مرحله بعدی تحقیق در خصوص رفع نگرانی‌های درونی کودکان گام‌های ضروری لحاظ شود.

مواد، روش و جامعه: جامعه بررسی حاضر شامل کلیه کودکان زیر ۱۰ سال و بالای ۳ سالی بودند که از تاریخ ۸۷/۳/۱ الی ۸۷/۵/۲۳ در بخش اطفال بیمارستان بوعلی بستری شده بودند از میان کودکان بستری اطلاعات به دست آمده ۵۰ کودک (۲۷ دختر و ۲۳ پسر) در آمار نهایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد نگرانی حالت کودکان (دوگاس ۱۹۹۵) و احساس درد ویلیامز تورن (۱۹۸۹) بهره بردیم که هر دو از اعتبار و پایایی بالایی برخوردارند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: با استفاده از بسته‌های آماری صورت گرفت. یافته‌ها حاکی از میزان بالایی از نگرانی به ویژه در بین بیماران دختر بود در بیماران دختر بین نگرانی حالت و میزان احساس درد رابطه معنادار وجود داشت و در سنین پسران نیز رابطه بین نگرانی و میزان احساس درد وجود داشت، اما رابطه معنادار نبود با افزایش سن کودکان نگرانی حالت افزایش می‌یافت و ...

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیر پنهان و آشکار عوامل روانشناختی در افراد بستری به ویژه کودکان و تأثیرات قابل توجه این متغیرها در بهبود و درمان وبه ویا شکل‌گیری سالم شخصیت کودکان برای جلوگیری از ادامه روند دردهای ذهنی زاید در بزرگسالی یا وابستگی به

بیمارستان می‌بایست بخش‌های اطفال به تیم‌های لازم روانشناسی و مددکاری مجهز شود تا شاهد رشد افرادی کارآمد در جامعه خود باشیم.

واژه‌های کلیدی: اعصاب کودکان، باوردرد، ادراک درد، نگرانی کودکان.

عنوان: تأثیر یک برنامه آموزشی مبتنی بر نیاز بر میزان اضطراب خانواده‌های کودکان تشنجی در بیمارستان حضرت ولی عصر زنجان

سهیلا ربیع سیاهکلی: کارشناس ارشد پرستاری گرایش داخلی جراحی، مربی دانشکده پرستاری و مامایی زنجان

فریدون اسکندری: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت پرستاری، مدیر کیفیت مرکز آموزشی درمانی آیت ا. موسوی

رضا شامی: کارشناس پرستاری، مدیر مرکز آموزشی درمانی آیت ا. موسوی

علیرضا شغلی: *PhD* مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زنجان

مقدمه: تشنج، یک اختلال موقت در مغز می‌باشد که هر بار تکرار آن باعث تخریب سلولهای مغزی می‌شود. از این جهت این بیماران بیش از هر چیز نیاز به پیگیری و درمان دارند که قسمت اعظم این مراقبت به میزان اطلاع و آگاهی خانواده بیماران مبتلا مربوط می‌شود. لذا آگاهی و آموزش خانواده بیماران می‌تواند تأثیر مهمی بر پیشگیری از عوارض بیماری و عواقب شدید آن داشته باشد.

اهداف: تعیین میزان اضطراب خانواده کودکان مبتلا به تشنج و تأثیر آموزش مبتنی بر نیاز بر میزان اضطراب خانواده بیماران.

روش اجرا: تحقیق نیمه تجربی در یک گروه ۸۰ نفری از والدین ۴۰ کودک تشنجی مراجعه کننده به بخش کودکان مرکز آموزشی درمانی حضرت ولی عصر (عج) در شهر زنجان انجام شد. ابزار شامل پرسشنامه بررسی اضطراب و افسردگی استاندارد بیمارستانی (*HADS*) و یک پرسشنامه محقق ساخته دو قسمتی شامل بررسی اطلاعات فردی و نیازسنجی والدین بیماران بود. در نمونه‌گیری ۳ ماهه، ابتدا وضعیت اضطراب آنان در بدو ورود سنجیده و سپس آگاهی‌های لازم بر اساس نیازسنجی و تدوین یک برنامه مدون به واحدهای مورد پژوهش داده شد. ۴۸ ساعت بعد از مداخله مجدداً اضطراب خانواده‌ها مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. داده‌ها، با آزمون‌های مجذور کای و تی تست مورد تجزیه تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: ۹۰/۴ درصد خانواده بیماران بستری قبل از مداخله مضطرب بودند. مادران به طور معنی‌داری اضطراب بیشتری نسبت به سایر افراد داشتند ($P=0/002$). میزان اضطراب به طور معنی‌داری نسبت به قبل از مداخله کاهش یافته بود ($P= 0/02$). همچنین نیازهای آموزشی خانواده‌ها مانند داشتن آگاهی در مورد تشخیص، پیش‌آگهی، درمان آن، از جمله نیازهای مهم والدین شناخته شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تفاوت‌های فردی، بهتر است آموزش و مراقبت والدین بر اساس نیاز آنها صورت گیرد و نیز با کنترل اضطراب و تشویش در خانواده‌ها، پیامد خوبی از روند آموزش و ارائه مراقبت مطلوب بدست آورد.

کلمات کلیدی: تشنج کودکان، نیاز والدین، مراقبت پرستاری، اضطراب.

بررسی فراوانی ابتلا به مننژیت در کودکان مبتلا به تب و تشنج، مراجعه کننده به بیمارستانهای شهر همدان در سال ۶-۱۳۸۵

مرضیه رضوی کیا: کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

مقدمه: تشنج همراه با تب، یکی از مشکلات شایع در کودکان می باشد. در مطالعات متعدد انجام شده، شیوع مننژیت در کودکان مبتلا به تب و تشنج بررسی شده است و بررسی مایع مغزی - نخاعی در این بیماران مورد بحث می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی فراوانی ابتلا به مننژیت در کودکان مبتلا به تب و تشنج، انجام شد.

مواد و روشها: مطالعه حاضر به صورت توصیفی - مقطعی بر روی ۱۴۹ کودک ۵ ماهه تا ۵ ساله مبتلا به تب و تشنج که با تشخیص تب و تشنج یا مننژیت در فاصله سالهای ۶-۱۳۸۵ در بخش های کودکان بیمارستانهای شهر همدان بستری شده بودند، انجام شد. اطلاعات مورد نیاز شامل: موارد انجام LP، سن، جنس، فراوانی ابتلا به مننژیت، نوع تشنج، مدت زمان تشنج، تعداد دفعات تشنج، علائم فوکال عصبی و وجود تأخیر تکامل، از پرونده این بیماران استخراج شده و در پرسشنامه طراحی شده وارد گردید. اطلاعات حاصله با استفاده از نرم افزار آماری SPSS¹³ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: از ۱۴۹ کودک مورد بررسی ۸۳ کودک (۵۵/۷ درصد) پسر و ۶۶ کودک (۴۴/۳ درصد) دختر بودند. میانگین سنی این کودکان $15/4 \pm 23/7$ ماه بود. جهت ۵۶ بیمار (۴۰/۲ درصد) LP انجام شده بود که نتیجه LP در ۳ بیمار (۱/۹۸ درصد) حاکی از مننژیت ویرال بود. تشنج در ۴۰ بیمار (۲۶/۸ درصد) از نوع *complex* و در ۱۰۹ بیمار (۷۳/۲ درصد) از نوع *simple* بود. میانگین مدت تشنج $4/2 \pm 5/8$ دقیقه و میانگین تعداد دفعات تشنج در این بیماران $2/18 \pm 0/19$ بار بود. در ۲ بیمار (۱/۳ درصد) از ۱۴۹ بیمار مورد مطالعه، علائم فوکال عصبی مشاهده شد و ۶ بیمار (۳/۹ درصد) نیز مبتلا به تأخیر تکاملی بودند.

بحث و نتیجه گیری: شیوع مننژیت در کودکان مبتلا به تب و تشنج، اگر چه درصد پایینی داشت اما با توجه به کشنده بودن مننژیت و پروگنوز بد این بیماری (در صورت عدم تشخیص به موقع) قابل توجه می باشد.

کلید واژه ها: مننژیت، تب، تشنج، کودکان.

بررسی مقایسه‌ای سطح سرمی یون سدیم در بیماران با تب و تشنج ساده بدون تکرار و تشنج بدون تب در کودکان مراجعه‌کننده به بیمارستان امام خمینی بهشهر

زهرا سبزی: دانشگاه علوم پزشکی گلستان

فاطمه سبزی: دانشگاه علوم پزشکی مازندران

مقدمه: تب و تشنج شایعترین تشنج دوران کودکی است که شیوع آن ۴-۲ درصد در کودکان زیر ۵ سال ۴-۲ درصد می‌باشد. پاتوژنز تشنج به دنبال تب در بچه‌ها به طور دقیق مشخص نگردیده، اما ریسک فاکتورهای متعددی در بروز آن دخالت دارند. یکی از عوامل خطرزا که هنوز در کتب مرجع ذکر نگردیده است و در مراحل تحقیقاتی قرار دارد پایین بودن میزان سرمی سدیم می‌باشد که به ویژه در عود تشنج به دنبال تب نقش دارد.

هدف: هدف از این مطالعه تعیین و مقایسه سطح سرمی یون سدیم در بیماران با تب و تشنج ساده بدون تکرار و تشنج بدون تب در کودکان مراجعه‌کننده به بیمارستان امام خمینی بهشهر در سال ۸۶-۸۷ می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه ۲۱۶ کودک ۶ ماهه تا ۶۰ ماهه مراجعه‌کننده با تشنج مورد بررسی قرار گرفته و در دو گروه تب تشنج ساده (۱۵۵ نفر) و گروه تشنج بدون تب (۶۱ نفر) قرار گرفته و میانگین سطح سدیم با استفاده از آزمونهای آمار *Bonferroni, one-way* بین گروه‌ها ارزیابی و تحلیل شد.

یافته: نشان داد که بیشترین تب تشنج در جنس پسر و کودکان ۲۴ ماهه روی داده است. میانگین سطح سرم سدیم در گروه تب و تشنج بدون تکرار (تب تشنج ساده) در مقایسه با گروه تشنج بدون تب با $p-value > 0/05$ اختلاف معنی‌دار داشته است و میانگین سطح سدیم در گروه تب تشنج بدون تکرار (تب تشنج ساده) کمتر از میانگین سطح سدیم در گروه تشنج بدون تب می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در کل به نظر می‌رسد سطح سرمی سدیم در تشنجات ناشی از تب دخالت دارد و نقش مهمی در بروز تشنج ناشی از تب در کودکان مساعد بازی می‌کند لذا مطالعات وسیعتری در این زمینه بهتر است صورت گیرد.

کلید واژه: تب تشنج ساده، تشنج بدون تب.

بررسی میزان شیوع ناهنجاریهای دستگاه عصبی و برخی فاکتورهای مرتبط با آن در بارداریهای خاتمه یافته در بیمارستان هاجر شهرکرد در سال ۸۴

منیژه سرشتی، شایسته بنائیان، افسانه کاظمیان، محبوبه نوربخشیان چالشتی

مقدمه: ناهنجاریهای دستگاه عصبی یکی از علل عمده مرگومیر، بیماری و ناتوانی طولانی مدت کودکان در سراسر جهان است.

هدف: این مطالعه به منظور تعیین میزان شیوع ناهنجاریهای دستگاه عصبی و برخی فاکتورهای مرتبط با آن در بارداریهای خاتمه یافته بیمارستان هاجر شهرکرد در سال ۸۴ صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه توصیفی مقطعی آینده‌نگر هم گروهی از فروردین ۱۳۸۴ لغایت فروردین ۱۳۸۵ انجام شد ۲۸۵۴ مادر باردار که سن حاملگی ۱۶ هفته یا بیشتر داشته و جهت ختم حاملگی، سقط یا زایمان به بیمارستان هاجر شهرکرد مراجعه کرده بودند با استفاده از فرم مصاحبه مورد بررسی قرار گرفتند. ناهنجاریهای جنینی و سایر مشخصات نوزاد از پرونده بیمارستانی تکمیل شد. اطلاعات با استفاده از نرم افزار *SPSS* و آزمونهای آماری χ^2 و آزمون تی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از ۲۸۵۴ تولد زنده و مرده و سقط جنین در طی این دوره زمانی ۱۷ مورد (۰/۶ درصد) ناهنجاری دستگاه عصبی مشاهده شد. شایعترین ناهنجاری ناهنجاریهای لوله عصبی در این مطالعه انانسفالی (۳۵ درصد) بود. ارتباط آماری معنی‌دار بین جنس نوزاد ($P=0.004$)، در معرض دود محیطی قرار گرفتن مادر ($P=0.026$) و تروما طی بارداری با ناهنجاریهای دستگاه عصبی ($P=0.038$) در جنین مشاهده شد.

ارتباط آماری معنی‌دار بین مصرف داروهای سنتتیک و گیاهی، بیماری مزمن، سابقه ناهنجاری در فامیل، مجاورت واحد مسکونی با ایستگاه برق فشار قوی و با ناهنجاریهای جنینی مشاهده نشد. ارتباط آماری معنی‌دار بین سن مادر و پدر، تعداد حاملگی‌ها، شغل پدر و مادر، تب بالای مادر، سابقه درمان نازایی و مشکلات مادر طی حاملگی با ناهنجاریهای لوله عصبی وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع نسبتاً بالای ناهنجاریهای عصبی در جمعیت مورد مطالعه، لزوم برنامه‌ریزی جهت پیشگیری از ناهنجاریهای جنینی وجود دارد به ویژه آموزش به خانمهای باردار، جهت اجتناب از قرار گرفتن در معرض دود محیطی و تروما ضروری به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: شیوع، ناهنجاریهای عصبی، عوامل مؤثر، شهرکرد.

آگاهی و پذیرش والدین در ارتباط با مصرف داروهای ضد صرع در کودکان مبتلابه صرع مقاوم

اقدس سعادت، راضیه فروتن، زهرا خدابنده لو، زهره طاهر آبادی: دانشکده پرستاری نیشابور

مقدمه: عوارض و اثرات ناشی از سوء مصرف دارو به عنوان یکی از علل مهم شکست درمان و یا عدم ادامه درمان توسط بیمار و خانواده شناخته شده است. در این میان آگاهی و شناخت والدین کودکان مبتلا به صرع مقاوم از نحوه مصرف داروهای ضد صرع یک اصل مهم و ضروری درمان و پذیرش بیمار و خانواده برای دریافت درمان داروئی مناسب بشمار می‌رود. مطالعات اندک قبلی نشان می‌دهد که آموزش در زمینه رژیم داروئی بطور معنی‌داری از حوادثی نظیر تجویز اشتباه دارو و عوارض جانبی جلوگیری نموده و عدم پذیرش یا قبول دارو درمانی را کاهش می‌دهد. لذا این مطالعه با هدف ارزیابی آگاهی و پذیرش والدین کودکان مبتلا به صرع مقاوم مراجعه کننده به مراکز بهزیستی شهر نیشابور از داروهای ضد صرع، صورت گرفت.

مواد و روشها: ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای شامل اطلاعات دموگرافیک و سئوالاتی در مورد رژیم داروئی کودک (نوع دارو، نحوه و زمان مصرف دارو)، عوارض جانبی داروها و پذیرش بیمار و خانواده از درمان داروئی بود و داده‌ها با استفاده از آزمون کای اسکوئر، رگرسیون خطی با $p < 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: ۶۸/۴ درصد کودکان با یک دارو و نیز ۲۲/۲ درصد آنها توسط دو دارو درمان می‌شدند. بیشترین داروی مورد استفاده فنو باربیتال با ۷۸/۴ درصد و بدنبال آن والپوروات با ۲۱/۶ درصد بود. بر طبق اطلاعات بدست آمده از والدین ۷۸/۹ درصد آنها درباره عوارض جانبی داروهای ضد صرع که ممکن است نیاز به اقدامات اورژانس یا مراجعه به پزشک را ایجاد کند اطلاعی نداشتند. همچنین آگاهی و شناخت والدین از عوارضی که بدنبال مصرف اولین دوز داروها بوجود می‌آید، اندک بود بطوری که ۸۶/۲ درصد آنها در این زمینه هیچ گونه اطلاعی نداشتند.

بحث: کمبود دانش درباره داروهای ضد صرع منجر به کاهش پذیرش و قبول داروئی توسط بیمار و خانواده می شود که می تواند تأثیر یا اختلال جدی در درمان موفقیت آمیز بیماران را ایجاد نموده و آنها را در معرض خطرات عمده ای قرار دهد. لذا آموزشهای شفاهی و کتبی بیشتری در این خصوص ضروری می باشد.

کلمات کلیدی: آگاهی، عوارض داروئی، کودک، صرع مقاوم.

Knowledge and Compliance of Parents about Anti Epileptic Drugs in Children with Refractory Epilepsy.

A. Saaadati, R. Frotan, Z. Khodabandehloo, Z. Taaherabadi :Faculty of Nursing , Neyshabour

Background and purpose: Drug-related adverse events are well known to be one of the leading causes of treatment discontinuation by parents and patients themselves. Knowledge of parents who affected children with refractory epilepsy about AED treatment regimen is most important to accept medication and suitable treatment. Limited studies show that medication education could significantly reduce drug-related events, including misinterpretation of directions, side effects, and noncompliance. The aim of this study is to valuate the medication knowledge of parents who affected children with refractory epilepsy which referred to behzisty center in neyshabour.

Methods: The questionnaire consists of demographic information and questions for epilepsy medication assessment. The EMA consisted of questions focusing on AED treatment regimen, side effects, and compliance .

Statistical analysis was performed by chi-square test and linear regression. A P-value of less than 0.05 was considered significant.

Results: Regarding of parents information(78.9%) of them had no idea about side effects that require immediate medical help (86.2%) were not knowledgeable about side effects that could happen when first taking AEDs.

(68.4%)children were monotherapy; whereas (22.2%) of them were treated with 2 drug respectively. The most frequently prescribed drug was Phenobarbital (78.4%), followed by valproate

(21.6%), used. The majority of children took the medication twice daily (62%).

Discussion: A lack of AED knowledge results in decreased patient compliance, which is a serious hindrance to successful treatment and can place the patient at unnecessary risk.

Further conventional verbal education and written AED information are needed to increase parents and patient medication knowledge.

Key words: Knowledge, Side effect, Child, Refractory epilepsy.

مقایسه خود بیمارانگاری، اضطراب اجتماعی و حمایت اجتماعی بین مادران کودکان عقب مانده ذهنی و عادی شهر اهواز

سحر صفرزاده، رویا مشاک: مدرسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

چکیده: تندرستی یکی از نعمتهای بزرگ در زندگی انسان است و نمی‌توان منکر شد که سلامتی روان در زمره بالاترین نعمتهاست، افرادی که به نحوی با بیماران روانی و عقب ماندگان ذهنی سروکار دارند به این امر اعتقاد کامل دارند. لذا؛ هدف از پژوهش حاضر، مقایسه خودبیمارانگاری، اضطراب اجتماعی و حمایت اجتماعی بین مادران کودکان عقب مانده ذهنی و عادی شهر اهواز بود. نمونه شامل ۴۵ نفر از مادران کودکان عقب مانده ذهنی و ۴۵ نفر از مادران کودکان عادی بودند که به طور تصادفی ساده انتخاب شدند و با آزمونهای خودبیمارانگاری (AHT)، اضطراب اجتماعی (SAD و FNE) و حمایت اجتماعی (Philips) مورد ارزیابی قرار گرفتند. تحقیق حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس یک راهه (آنوا) در سطح معنی‌داری $p < 0/000$ نشان داد که بین مادران کودکان عقب مانده ذهنی و عادی از نظر خودبیمارانگاری، اضطراب اجتماعی و حمایت اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابراین، تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید گردیدند.

کلید واژه‌ها: خودبیمارانگاری، اضطراب اجتماعی، حمایت اجتماعی، عقب مانده ذهنی.

Comparison of Hypochondriasis, social anxiety and social support between mothers of backward children and ordinary of Ahwaz

Health in human life is someone from great affluences and undeniable that mental health is best of affluences, the persons that association with mental diseases and mental deficiency, they are conviction to that speech. so, The goal of the current reseach was the comparison of Hypochondriasis, social anxiety and social support among mothers of backward children and ordinary of Ahwaz. The sample included 45 mothers of backeard children and 45 mothers of ordinary children, who were selected by chance and tested by Hypochondriasis (AHT), social anxiety (FNE,SAD) and social support (Philips). The current research was a causal-comparative (ANOVA). At the $p < 0/000$ level it showed that there is a meaningful difference between mothers of backward children and

ordinary in Hypochondriasis, social anxiety and social support. There for the research hypotheses were confirmed.

Key words: Hypochondriasis, social anxiety, social support, backward.

بررسی تأثیر رژیم کتوژنیک بر صرع مقاوم کودکان و عوارض جانبی ناشی از آن

فرناز ضامن میلانی: کارشناس تغذیه و رژیم درمانی

دکتر محمد برزگر: فوق تخصص اعصاب کودکان، استاد دانشگاه علوم پزشکی تبریز

رژیم کتوژنیک برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ پیشنهاد شد، این رژیم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به علت رشد سریع عوامل ضد تشنج جدید کنار گذاشته شد. اما از سال ۱۹۹۶ مجدداً به کار گرفته شد و در حال حاضر احتمالاً مؤثرتر از بسیاری از داروهای ضد تشنج جدید عمل می‌کند و در طی دهه گذشته استفاده از آن به طور چشمگیری در سطح جهان افزایش یافته است.

این مطالعه آینده‌نگر به منظور تعیین اثر رژیم کتوژنیک بر صرع مقاوم به درمان دارویی در کودکان و عوارض ناشی از آن انجام شده است.

مواد و روش‌ها: ۱۲ کودک در محدوده سنی ۱ تا ۱۲ سال که علی‌رغم مصرف حداقل ۳ دارو بیش از ۱۵ تشنج در هفته داشتند در این مطالعه وارد شده و به طور متوسط ۵/۵ ماه (۱ تا ۱۰ ماه) پیگیری شدند و تأثیر رژیم بر شدت تشنج (مدت و دفعات) و عوارض رژیم بررسی شدند.

نتایج: ۱۲ کودک با میانگین سنی ۴/۷ قبل از رژیم به طور میانگین ۱۵ تشنج در هفته داشتند. بعد از شروع رژیم در ۵۰ درصد آنها تشنج‌ها به طور کامل قطع شدند، ۳۳ درصد از آنها بیش از ۵۰ درصد کاهش در تشنج‌ها داشتند و ۲ نفر (۱۷ درصد) رژیم را ادامه ندادند. ارتباط معنی‌داری بین اثر بخشی رژیم با نوع تشنج، سن در شروع رژیم، جنس و اتیلوژی اپی لپسی وجود نداشت.

عوارضی که در دوره ناشتایی (رژیم آب) دیده شدند شامل: اسیدوز (۱ نفر) هیپوگلیسمی، تهوع و استفراغ و بی‌اشتهایی بود که خوشبختانه همگی گذرا بوده و به راحتی کنترل شدند.

بررسی وضعیت تغذیه‌ای کودکان مبتلا به صرع مقاوم به درمان

راضیه فروتن، لاله حسینی شهیدی، اقدس سعادت‌ی، کلثوم دلدار

مقدمه: کودکان مبتلا به صرع مقاوم به درمان به دلیل مشکلات تغذیه‌ای (بی‌اشتهایی، اشکال در بلع و جویدن، استفراغ) و مصرف طولانی مدت داروهای ضد تشنج که بر روی جذب غذا و متابولیسم آن تأثیر می‌گذارد، در معرض خطر سوء تغذیه قرار می‌گیرند. هدف این مطالعه ارزیابی وضعیت تغذیه‌ای در کودکان با صرع مقاوم به درمان بوده است.

روش پژوهش: جامعه پژوهش کلیه کودکان مبتلا به صرع مقاوم به درمان مراکز بهزیستی شهرستان نیشابور بوده که از این بین ۴۰ کودک به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. اطلاعات مربوط به متغیرهایی همچون وزن، قد، دور بازو و *BMI* و مشکلات تغذیه و مدت زمان مصرف داروهای ضدصرع و... مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های به دست آمده با آزمونهای همبستگی و تست تی با $p < 0/05$ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از ۴۰ کودک مورد بررسی ۳۵٪ دختر و ۶۵٪ پسر بودند. میانگین وزنی $23 \pm 7/1$ و میانگین قد $94 \pm 13/38$ سانتیمتر بود. همچنین متوسط دور بازو $18/52$ سانتیمتر بود. $31/5$ ٪ کودکان مشکلات حرکتی، 57 ٪ بی‌اشتهایی، 12 ٪ مشکل در بلع و 30 ٪ تهوع داشتند. میانگین *BMI* کودکان مورد مطالعه، ۲۱ بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر که با مطالعات برتولی و همکاران (۲۰۰۶) همخوانی دارد، وزن، قد، *BMI* و وضعیت تغذیه کودکان مبتلا به صرع مقاوم به درمان نسبت به کودکان سالم در سطح پائین‌تری قرار داشته و نیازمند آموزشهای بیشتر پرستاری به خانواده‌های این کودکان در زمینه تغذیه و رفع مشکلات مربوط به آن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کودکان، صرع مقاوم به درمان، سوء تغذیه.

کاوشی در زندگی یک نوجوان صرعی

نوشین کاشفی، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری: دانشگاه علوم پزشکی گرگان

مقدمه: از زمان بوجود آمدن انسان بر روی کره زمین صرع نیز وجود داشته است. صرع یک بیماری نیست بلکه فقط نشانه‌ایست که می‌گوید قسمتی از مغز کار خود را همیشه بخوبی انجام نمی‌دهد. یک درصد از جمعیت ایالات متحده از بیماری صرع رنج می‌برند.

هدف: هدف از این مطالعه بررسی تجربیات فردی یک نوجوان مبتلا به حملات صرع و آشنایی با مشکلات زندگی چنین بیمارانی می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه از روش گزارش مورد استفاده شد. روش گردآوری اطلاعات مصاحبه‌های بدون ساختار انفرادی بوده است. از "آنالیز محتوا" برای تجزیه و تحلیل استفاده شد.

یافته‌ها: مددجو پسری ۱۹ ساله، مجرد و دانشجو می‌باشد که از ده سال قبل بیماری صرع در وی شناسایی شد. از نه سالگی داروی ضد صرع را مصرف می‌کند. سابقه فامیلی حملات تشنجی و صرع ذکر نمی‌شود. خواهر کوچکتر وی به صرع مبتلاست. مضمون اصلی که در این مطالعه ظهور یافت "صرع به عنوان مشکل" بوده است. مضامین فرعی "مشکلات درمان، ترس از کاهش بهره هوشی، مشکلات ازدواج، ترس از آشکار شدن" تبیین کننده نگرانی‌های یک جوان صرعی می‌باشند.

"قرص خوردن، خواب زیاد داشتن، ویزیت‌های مکرر پزشک، نوار مغزی گرفتن، از بین رفتن سلول‌های مغزی، محدودیت در انتخاب همسر، پی‌بردن هم خوابگاهی‌ها به بیماری فرد، پنهان کردن، ناراحتی و غصه، بدبختی" از جمله مواردی بوده است که بیانگر تجربه یک جوان دانشجوی مبتلا به صرع است. "تلاش بیشتر برای موفقیت تحصیلی" یک مکانیزم جبرانی در قبال مشکلات ناشی از بیماری بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: مراقبت از صرع در دهه گذشته بسیار متحول شده است. بخصوص اینکه گستره درمانی بیشتری برای این بیماری به وجود آمده است و این پیشرفت‌ها می‌تواند فعالیت صرع را در بخش مهمی از بیماران مهار نماید و از آنجائی که این باور وجود دارد که یک

حمله صرع، حملات دیگر را بدنبال خواهد داشت، با درمان زود هنگام می‌توان به موفقیت طولانی مدت‌تری در به تعویق انداختن دست یافت. بیمار صرعی تنش‌های مضاعفی را علاوه بر بیماری جسمی خود متحمل می‌شود. ابتلا به صرع جرم نیست و نباید بیماران تاوان سختی را برای آن بدهند. گروه‌های خودیار و پیوستن به انجمن ممکن است برای به اشتراک گذاردن مشکلات مفید باشد. افزایش آگاهی جامعه و ارائه تصویر بهتری از این بیماری نیز ضروری می‌نماید.

کلمات کلیدی: بیماری صرع، تجربه بیمار، گزارش مورد.

مادران کودکان عقب مانده ذهنی کودکان خود را چگونه می‌بینند؟

سیما کرمانشاهی: دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه و اهداف: عقب ماندگی ذهنی می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر ساختار و عملکرد خانواده داشته باشد و از آنجا که بررسی‌ها و نتایج حاصل از آنها می‌تواند در شناخت این مشکلات و حتی نحوه چگونگی اداره آنها کمک مؤثری باشد. لذا، این تحقیق کیفی به تشریح دیدگاه مادران از داشتن یک کودک عقب‌مانده ذهنی دارند پرداخته است.

روش اجرا: در این مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند ۱۲ مصاحبه‌باز با مادران دارای یک کودک عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر شاغل به تحصیل در مدرسه استثنایی به عمل آمد. مصاحبه‌ها ضبط و عیناً بصورت دست‌نوشته‌هایی درآمده و با روش ون مانن آنالیز شد.

یافته‌ها: از میان ۳۳۶ جمله با معنی (مضمونی) ۴ مضمون اصلی بدست آمد که عبارتند از: برخورد با ناتوانی تکاملی کودک، احساسات منفی، کودک محور سلامتی و ناسلامتی مادر، عدم توانایی در مدیریت خود و کودک (مستأصل شدن مادر).

نتیجه‌گیری: دیدگاه مادران کودکان عقب‌مانده ذهنی نشان می‌دهد که آنان کودکانشان را نعمت و امانت الهی می‌دانند و برای پذیرش و سازگاری با وجود او تنها به خدا توکل دارند و از منابع حمایتی مناسب و اثربخشی برخوردار نیستند. بعلت تقبل مسئولیت بیش از اندازه در طول زندگی از جان مایه می‌گذارند که نتیجه آن تحمل استرس زیاد، احساس ناامیدی، غم و اندوه و درک ابهام‌آمیز از آینده کودک و خود است. ایفای نقش اول در حمایت همه جانبه کودک موجب غفلت آنان از خود در همه ابعاد جسمی، روحی، روانی و اجتماعی و سردرگمی آنها در امر مراقبت و اداره کودک شده است.

کلمات کلیدی: مادران کودکان عقب مانده ذهنی، مطالعه کیفی.

بررسی انواع ناهنجاری‌های مادرزادی و مشخصات فردی و اجتماعی مادران دارای نوزاد ناهنجر در شهرستان کاشمر در سال ۸۱-۱۳۷۹

ناهید گل‌مکانی: کارشناس ارشد مامائی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامائی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

زمینه و هدف: حدود ۲ تا ۳ درصد از کودکان با یک ناهنجاری مادرزادی قابل تشخیص متولد می‌شوند که علت حدود ۴۰ درصد از این ناهنجاریها ناشناخته هستند. پژوهش حاضر با هدف تعیین شیوع و انواع ناهنجاریهای مادرزادی و مشخصات فردی، زایمانی و اجتماعی مادران دارای نوزاد ناهنجر در شهرستان کاشمر انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و آینده‌نگر از نوع مورد-شاهدی بود که بر روی ۷۷ نوزاد (۳۰ نوزاد ناهنجر و ۴۷ نوزاد سالم) از بین ۶۰۰۰ زایمان انجام شده طی مدت دو سال از اسفند ۱۳۷۹ تا بهمن ۱۳۸۱ در بیمارستان مدرس کاشمر انجام شد.

یافته‌ها: شیوع ناهنجاریهای مادرزادی در این مطالعه ۰/۵ درصد بود و شایعترین ناهنجاری نقائص لوله عصبی و هیدروسفالی بود. نتایج حاکی از آن بود که دو گروه از نظر سن و تحصیلات پدر و مادر، گروه خونی، وزن قبل از حاملگی مادر، تعداد حاملگی و زایمان، سقط قبلی، ابتلا به بیماری عفونی، سابقه بیماریهای داخلی، جراحی و انجام مراقبتهای پره ناتال و حاملگی ناخواسته اختلاف آماری معنی‌دار نداشتند، لیکن در دو گروه از نظر سابقه معلولیت در خانواده، تماس با اشعه ایکس و مواد شیمیایی اختلاف آماری وجود داشت (۰/۰۰۰۲ سابقه معلولیت و $P=0/02$ تماس با اشعه و مواد شیمیایی).

همچنین نمایش غیرطبیعی جنین، نوع زایمان و عوارض فوری نوزادی، وزن و قد نوزاد و سن حاملگی در دو گروه اختلاف قابل ملاحظه آماری داشت ($P<0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به آنکه تعدادی از ناهنجاریها قابل پیشگیری هستند به نظر می‌رسد شناخت و آگاهی، مشاوره‌های مناسب بهداشتی و ارائه آموزشهای لازم به مادران گامی اساسی در حفظ سلامت مادر و جنین می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مشخصات فردی، مشخصات زایمانی، ناهنجاریهای مادرزادی، نوزاد ناهنجر.

The survey of congenital anomaly types, personal and Demographic characteristics of mothers with congenital abnormality newborns

Nahid Golmakani: School of nursing and midwifery, Mashhad university of medical science

Background and objective: Almost 2 to 3 percent of all newborns have a recognizable abnormality that the causes of 40 percent of these congenital anomalies are unknown. The objective of this study was to determine the prevalence of congenital anomaly types, personal, delivery and demographic characteristics of their mothers in Kashmar city.

Methods: This was an analytic descriptive and prospective study with case and control groups on 77 newborns (30 abnormal and 47 normal) out of 6000 deliveries were performed during two years from 2001 to 2003 in Modarres Hospital of Kashmar city.

Results: In this study, prevalence of congenital anomalies was 0.5 percent, the most common anomalies were neural-tube defects and hydrocephaly.

The finding indicated that there were no significant difference between age and educational level of mothers and fathers, blood groups, weight of mothers prior of pregnancy, parity, gravidity, previous abortion, prenatal care, septic diseases, Medical and surgical history, prenatal care unwanted pregnancy in two groups.

But the history of handicapping in Family, exposure to x-Ray and chemical material were significant difference in two groups ($P=0/0002$ and $0/02$).

In addition there were significant differences between malpresentation, type of delivery and prompt complication of newborns, weight, height and gestational age of infants ($p<0.05$).

Conclusion: By attention of this point that a many of congenital anomalies is preventable, a working knowledge with appropriate consultation and necessary education provides significant contributions to protection the health of mother and fetus.

Key Words: Personal characteristics, Delivery characteristics, Demographic characteristics congenital abnormality, Congenital anomaly and abnormal newborn.

بررسی تأثیر آموزش بر میزان بروز حملات تشنج با تب مراجعه کننده به درمانگاه مرکز آموزشی درمانی حضرت ولیعصر (عج) زنجان بر روی کودکان یک ماه تا شش ساله در سال ۱۳۸۶

الهه محمد قلی نیا، منیژه آسمانی، سهیلا خطیبی: کارشناس پرستاری
حسن عربگری: کاردان بیهوشی

مقدمه: تشنج یک تغییر ناگهانی در فعالیت حرکتی یا رفتاری است که از فعالیت غیرطبیعی مغزی ناشی می‌شود و ممکن است به علت تب شدید، مسمومیت، عفونت، الکلی، اختلالات الکترولیتی، افت قند خون و امثال آن عارض گردد، که تشنج ناشی از تب شایعترین نوع شناخته شده است. این نوع تشنج معمولاً بین سنین ۱ ماهگی تا ۶ سالگی اتفاق افتاده است.

هدف: بررسی تأثیر آموزش بر میزان بروز حملات تشنجی همراه با تب.

مواد و روشها: این پژوهش از نوع مقطعی-توصیفی بعلت فقدان پژوهش در این مورد در استان زنجان، با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه بر روی ۳۱۰ اطفال انجام شد که ۷۴ نفر از افراد تشنج با تب را داشتند از آنها جدا شد و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بعد از مداخله، کلیه بیماران یک الی سه بار که تشنج بعد از تب داشتند به درصد ناچیز و یا به صفر رسیده است ۶۷/۶ درصد ۱ ماهه- ۱ساله ۸/۶۰ درصد پسر ۹۳/۲ درصد سابقه بستری در بیمارستان ۷۱/۶ درصد اولین فرزند خانواده به علت عفونت تنفسی ۷۵/۷ درصد گوارشی ۱۸/۹ درصد ادراری ۵/۴ درصد تعداد تشنجات (یکبار) ۵/۴ درصد (دوبار) ۵۰ درصد (سومین بار) ۴۴/۶ درصد، ششماه بعد از مداخله تعداد حملات یکبار تشنج ۲۶/۷ درصد، ۷۴/۳ درصد به صفر رسید بود سابقه بستر بعد از مداخله معنی‌دار بود.

نتیجه‌گیری: تب یک واکنش طبیعی بدن در مقابل عفونت‌ها است و معمولاً آسیبی به کودک نمی‌رساند. اما در کودکان مستعد ممکن است منجر به تشنج شود لذا به خاطر تأثیرات روانی و ایجاد استرس با برنامه‌ریزی در سه سطح پیشگیری برای خانواده‌ها و عموم جامعه، اصلاح دیدگاه جامعه از تشنج با تب بالا با ارائه توانمندیها و موفقیت‌های این افراد.

کلمات کلیدی: آموزش، تشنج با تب.

پرستاری در پیشگیری از فلج مغزی

اسماعیل محمدنژاد: مربی و دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، کارشناس بیمارستان

امام(ره) تهران

سیده رقیه احسانی: کارشناس پرستاری

مقدمه: فلج مغزی شایعترین ناتوانی جسمی دائمی دوران کودکی است که شیوع آن ۰/۳۳ در هر ۱۰۰ موالید است که شایعترین علت آن هیپوکسی ضربه ایسکمی خونریزی و ناهنجاریهای مادرزادی است. فلج مغزی تنها بیماری نیست بلکه طیفی از اختلالات را با ظاهر بالینی و درمان متفاوت شامل می‌شود. هزینه‌هایی که دولت‌ها برای پیشگیری از این بیماری خرج می‌کند در مقایسه با درمان تحصیل و اشتغال یک فرد معلول بسیار ناچیز است اگر چه با پیشگیری به موقع می‌توان هزینه‌های درمانی را کاهش و مدت زمان توانبخشی را کاست و بین طولانی شدن زمان درمان و میزان آسیب رابطه مستقیمی وجود دارد.

مواد و روش: این یک مطالعه رایانه‌ای-کتابخانه‌ای است که با بررسی مقالات متعدد از سایت *Pubmed* با هدف بررسی نقش پرستار در پیشگیری از فلج مغزی طراحی شده است.

بحث: در یک مفهوم ساده پیشگیری به معنای جلوگیری از بوجود آمدن بیماریست و در مفهوم متداول شامل کلیه اقداماتی هستند که از آنها برای قطع یا آهسته کردن بیماری استفاده می‌شود بر پایه چنین مفهومی می‌توان برای پیشگیری درجات مختلفی قائل شد که عبارتند از:

سطح اول: آموزش و ارتقاء و نگهداری سلامت مادر و جنین در دوران بارداری و پس از زایمان-معاینه بموقع مادر، تغذیه مناسب، تشویق به استراحت و حفظ سلامتی و کسب آرامش.

سطح دوم: تشخیص زودرس و درمان بیماریها و کاهش شیوع بیماری-ارزیابی سطح تکامل کودک بر اساس انطباق سن تقویمی کودک با مهارت‌های رشدی-عصبی بررسی رفلکسهای نوزادی-ارزیابی رشدی و عصبی- استفاده از تست *BALLARD*.

سطح سوم: تخفیف ناتوانیها از بیماری و توانبخشی حاصل از بیماری-آموزش والدین در مورد وضعیت بیماری کودک ارتقاء دادن تصویر ذهنی مثبت کمک به گفتار درمانی و درمان فیزیکی و فیزیوتراپی.

نتیجه: ارائه سطوح پیشگیری در فلج مغزی باعث برطرف کردن ریسک فاکتورها یا کاهش آن و بالا بردن کیفیت مراقبت در دوران حاملگی و حین زایمان و پس از آن می‌شود.

بررسی تأثیر تحریکات حسی و تمرینات اکتیو زود هنگام بر روند بهبودی کودکان مبتلا به آسیب‌های شبکه بازویی

میثم محمدی: کارشناس ارشد کاردرمانی جسمانی

دکتر حسین کریمی: متخصص توانبخشی اعصاب کودکان

دکتر رضا سلمان روغنی: متخصص طب فیزیکی و توانبخشی، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

زمینه و هدف: چنانچه بنا به هر دلیلی آکسون دچار آسیب شود، ارتباط گیرنده‌های حسی با قشر مغز کاهش می‌یابد. در آسیب‌های شبکه بازویی که معمولاً تروماتیک هستند به دلیل اختلال در ارتباط میان گیرنده‌های حسی با قشر مغز، مشکلات حسی و حرکتی و تصاویر بالینی متعددی دیده می‌شود. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر تحریکات حسی و تمرینات اکتیو زود هنگام بر روند بهبود نوزادان مبتلا به آسیب‌های شبکه بازویی می‌باشد.

روش بررسی: در این مطالعه ۲۰ نوزاد مبتلا به آسیب‌های شبکه بازویی در دو گروه ۱۰ نفره قرار گرفته و روند بهبودی در آنها بررسی و با هم مقایسه گردید. در گروه اول کودکان تحت درمان‌های رایج توانبخشی نورولوژیک قرار گرفتند و در گروه دوم از تحریکات حسی و تمرینات اکتیو زود هنگام (به صورت *Autoactivity*) استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون‌های *EMG* و تست عضلانی در دو گروه مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند.

نتایج: تحریکات حسی و تمرینات اکتیو زود هنگام در گروه دوم پیشرفت معناداری را در روند بهبودی کودکان نسبت به گروه شاهد نشان داد.

بحث: با توجه به مطالعات گذشته و پژوهش حاضر به نظر می‌رسد استفاده زود هنگام از تحریکات حسی و تمرینات اکتیو زود هنگام می‌تواند تأثیر مثبتی در روند بهبودی کودکان مبتلا به آسیب‌های شبکه بازویی داشته باشد و لازم است در پروتکل توانبخشی این کودکان لحاظ شده و به کار گرفته شود.

Effects of sensory stimulations and early autoactivity exercises in improvement process of children with brachial plexus injuries

Meisam Mohammadi: MSc. Holder in Physical Occupational Therapy

Dr Hossein Karimi: MD.

Dr Reza Salman Roghani: MD.

Background: Any axon damage for any reason would result in a decrease in sensory receptors connectivity with cortex. In Brachial plexus injuries that are usually traumatic, multiple sensory and motor dysfunctions and clinical aspects are seen because of impairments in sensory receptors connectivity with cortex.

The aim of this study was to investigate the effects of sensory stimulations and early autoactivity exercises in improvement process of children with brachial plexus injuries.

Methods: 20 children with brachial plexus injuries in two groups were enrolled in this study. First group received traditional neuro rehabilitation approaches and for the second group, sensory stimulations and early auto activity exercises were used. Results from EMG (Electromyography) and MMT (manual muscle testing) tests were compared in both groups.

Results: sensory stimulations and early auto activity exercises resulted in significant improvement in second group in comparison with control group.

Conclusion: With respect to other studies and ours, it seems that sensory stimulations and early autoactivity exercises could have positive effects in improvement process of children with brachial plexus injuries and must be considered in rehabilitation protocols for children with brachial plexus injuries.

صرع نوجوانان: توسعه مدلی از نگرش کودکان دارای صرع نسبت به وضعیت خود

ثریا مهدوی، فرنگیس کورکوهی، بهاره دهقانی: اعضاء هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی کرمانشاه

مقدمه: صرع یا تشنجات عود کننده بی دلیل، شایعترین اختلال نورولوژیکی جدی در کودکان است. کودکان و نوجوانان مبتلا به صرع در خطر مشکلات سلامت روان مانند ضعف در پنداشت از خود و افسردگی هستند. این بیماری مزمن عامل مهمی در کل سلامت وابسته به کیفیت زندگی نوجوانان با صرع است. مشکلات شناختی مطرح شده در این رابطه با نقصان در سلامت روانی اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، کاهش احساس مؤثر بودن از خود و مشکلات رفتاری در نوجوانان با صرع مشاهده شده است. مطالعات متعددی بیان می‌دارند که نگرش کودکان نسبت به صرع می‌تواند بر انطباق روانی اجتماعی آنها تأثیرگذار باشد و حتی پیامد منفی به همراه داشته باشد. هدف اصلی این بررسی، توسعه مدلی است که فاکتورهای مرتبط با نگرش کودک دارای صرع را نسبت به شرایط خود با تأکید بر متغیرهایی که می‌تواند بر مداخلات روانی اجتماعی مؤثر باشد، ارتقاء دهد.

روش: این بررسی یک مطالعه کتابخانه‌ای و با مرور مقالات در بانک‌های اطلاعاتی معتبر انجام گرفت.

یافته‌ها: در این مدل شش عامل به عنوان پیشگویی کننده مستقیم یا غیرمستقیم از نگرش کودک که شامل: مشخصات کودک، محیط خانوادگی، نگرانی کودک در مورد صرع، احساس مؤثر بودن از خود کودک در رابطه با مدیریت حمله صرع، نیازهای مراقبت روانی اجتماعی کودک و متغیرهای مرتبط با تشنج شناسایی شدند و نیز چهار متغیری که بیشتر در رابطه با نگرانی کودک بودند عبارتند از: جنس مؤنث، نیاز زیاد کودک به مراقبت‌های روانی اجتماعی، حملات صرعی فعال و مداوم و احساس کفایت از خود ضعیف کودک در مدیریت تشنج.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعات پیشنهاد می‌کنند که نگرانی کودک در مورد احساس کفایت از خود برای مدیریت تشنج یا حملات صرع، مهارت خانواده، و نیازهای مراقبت

روانی اجتماعی اهداف بالقوه‌ای برای انجام مداخلاتی می‌باشند که نگرش منفی در کودکان با صرع را نشان می‌دهد به طوری که در اغلب تحقیقات مربوطه، کودکانی که نگرش منفی‌تری نسبت به صرع داشتند تطابق ضعیف‌تری را نیز نشان دادند و چون نگرش نسبت به وضعیت و شرایط خود، تأثیر مهمی بر نحوه سازگاری با بیماری دارد از این رو توسعه مدل اولیه با مفاهیمی که می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نگرش کودک نسبت به بیماری خود باشد صورت گرفت و مداخلات مؤثر شامل برنامه‌های مدیریتی حل مشکل، آموزش در رابطه با یادگرفتن و پذیرش بیماری، چگونگی ارتقاء احساس کفایت از خود با بهبود پنداشت از خود و تصویر ذهنی از خود، تطابق با مهارت‌های مدیریت استرس و تکامل فعالیت‌های مهارتی می‌باشد که در اصل مقاله به تفصیل مورد اشاره قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: صرع، کودکان و نوجوانان، نگرش، نیازهای مراقبتی روانی اجتماعی.

تعیین عوامل خطر ایجاد زخم بستر در کودکان دچار ضربه مغزی - نخاعی بستری در بخش ICU

ندا میرباقر: کارشناسی ارشد و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری کاشان

مقدمه: زخم بستر یکی از عوارض اعمال جراحی طولانی مدت است که بیماران در زمان انجام عمل جراحی به دلیل بی حرکتی طولانی مدت، افت فشار خون و هیپوترمی حین عمل مستعد آن هستند. از وظایف اصلی پرستاران و اولویت‌های مراقبتی از بیماران بی حرکت، پیشگیری از زخم بستر است.

مواد و روش کار: این مطالعه مقطعی - تحلیلی با نمونه‌گیری سرشماری بر روی کودکان آسیب نخاعی و مغزی انجام شد. بیماران با استفاده از معیارهای بریدن (درک حسی، رطوبت، حرکت، فعالیت، تغذیه، اصطکاک و سائیدگی) ارزیابی می‌شدند، به طوری که در بدو پذیرش از نظر وجود زخم بستر معاینه شده و سپس هر ۴۸ ساعت از نظر ایجاد، پیشرفت زخم و عوامل مؤثر؛ مورد بررسی مجدد قرار می‌گرفتند. رابطه بین زخم بستر و معیارهای بریدن (به عنوان عامل خطر ایجاد کننده زخم بستر)، نوع تشک مورد استفاده، سن، محل آسیب اولیه (مغز یا ستون فقرات) و سطح هوشیاری بیمار (براساس معیار کمای گلاسگو) از طریق آزمون‌های تی، کای دو و هم‌چنین رگرسیون لجیستیک مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: از ۵۰ کودک مورد مطالعه ۸۰/۶ درصد مذکر بودند و متوسط سن بیماران ۳ تا ۸ سال بود. ۱۵ نفر (۳۰ درصد) بیمار، دچار ۳۵ زخم بستر در ۹ موضع متفاوت شدند. شایعترین محل زخم شکاف اینترگلوتهال (۴۵/۲ درصد) و سپس ساکروم (۴۴/۸ درصد) بود. بررسی معیارهای بریدن به عنوان عوامل ایجاد کننده خطر در دو متغیر کاهش درک حس ($RR = ۳/۳$ و $OR = ۳/۳$) و اختلال حرکت ($OR = ۱۰/۱۳$ و $RR = ۷/۴۶$) تفاوت معنی‌داری داشت ($p < ۰/۰۰۵$) لذا به عنوان عامل خطر شناخته شد اما متغیرهای سن، رطوبت، فعالیت، تغذیه و نوع تشک در دو گروه بیماران تفاوت معنی‌دار نداشت. مدت زمان بستری در کودکانی که دچار زخم شده بودند از کسانی که زخم نداشتند به طور معنی‌داری بیشتر بود

بیماران ضربه مغزی که در کما به سر می‌بردند ($GCS \leq 7$ یا کمتر) خطر اهمیت‌دار بیشتری برای زخم بستر داشتند.

نتیجه گیری: عوامل خطر بروز زخم بستر در کودکان جراحی مغز و اعصاب و ستون فقرات بستری در بخش‌های مراقبت‌های ویژه شامل کاهش درک حس، اختلال حرکتی، کاهش سطح هوشیاری و مدت زمان بستری می‌باشند.

Introduction: Bed sore is an important complication of operation. Long immobility, hypotension and hypothermia in perioperative period predispose patients to bed sore. The prevention of bed sore is a priority in caring for immobilized patients and different methods have been used for this purpose.

Materials and Methods: In this cross - sectional analytical study all consecutive craniospinal trauma child admitted to intensive care unit were included. Upon arrival at the hospital and every 48 hours, all patients were examined for existence of bed sore. Braden scale, age, kind of mattress, site of primary injury and level of consciousness were used to determine risk factors. Data was analyzed using T and Chi square tests and logistic regression.

Results: Among 50 children (80.6 male, 19.4 female with mean age of 3 to 8 years),. Of samples, 15 (30%) patients had 35 sores in 9 different sites. Incidence of bed sore was 22.7% (in cranial and spinal injured patients was 4.54% and 18.18% respectively). The most common sites were intergluteal cleft (45.2%) and sacral regions (44.8%). Bed sores were observed more frequently in immobile patients and those with impaired sensation, the difference were statistically significant respectively hence immobility and impaired sensation are known as risk factors. Patient's sores were not influenced by age, moisture, activity, nutrition and type of mattress variables. Time of hospital stay in patients with bed sore was significantly more than those without bed. Coma patients ($GCS \leq 7$) had developed bed sore more frequently than conscious ones.

Conclusion: Results show that risk factors of decubitus ulcers in ICU admitted craniospinal trauma patients were; decreased sensation, activity and level of consciousness and length of hospital.

میزان شیوع اختلال نقص توجه بیش فعالی در کودکان دبستانی

پریسا نامداری: عضو هیئت علمی و مربی گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی لرستان
دکتر هدایت نظری: استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

هدف: هدف از اجرای این پژوهش بررسی شیوع اختلال رفتاری کمبود توجه- بیش فعالی (*ADHD*) در دانش آموزان دبستانی بوده است.

روش: این پژوهش یک مطالعه *Cross-Sectional* است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مشغول به تحصیل سال ۱۳۸۳ در پایه‌های اول تا پنجم دبستانهای شهر خرم‌آباد می‌باشد. ($N=945$). 16 دولتی و غیردولتی (۸ مدرسه دخترانه، ۸ مدرسه پسرانه) به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد شده (*CSI4*) است. که ابزاری است برای غربالگری شایعترین اختلالهای روانپزشکی کودکان. پرسشنامه‌ها در دیداری جداگانه توسط والدین و معلمین تکمیل گردید. سپس با توجه به نمره‌گذاری مواردیکه *ADHD* را نشان دادند توسط روانپزشک معاینه بالینی شدند. سپس نتایج توسط آمار توصیفی و آزمون X_2 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در ۳/۱۷ درصد افراد مورد پژوهش اختلال رفتاری *ADHD* گزارش شد که به ترتیب ۴۰ درصد مربوط به اختلال *ADHD* از نوع بی‌توجهی $>3/33$ درصد از نوع بیش فعال و ۲۶/۶ درصد از نوع ترکیبی است. *ADHD* در پسران بیشتر از دختران گزارش شد (۴/۹ درصد در برابر ۱/۵ درصد).

دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دبستان بیشترین میزان اختلال *ADHD* و پایه پنجم کمترین میزان را داشتند. همچنین بین جنس کودکان و اختلال *ADHD* ارتباط معنی‌دار وجود داشت ($P<0/005$). ولی بین سن، میزان تحصیلات والدین، شغل والدین، میزان درآمد، پایه تحصیلی و مشکلات روانپزشکی در خانواده ارتباط معنی‌دار وجود نداشت.

نتیجه: با توجه به شیوع بالای اختلالات رفتاری منجمله *ADHD* شناسایی این اختلالات ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: اختلال نقص توجه بیش فعالی، شیوع، کودکان، دانش آموزان، خرم‌آباد.

1. Child Symptom Inventories 4.

بررسی میزان سازگاری خانواده‌های دارای معلول ذهنی در رابطه با عوامل تنش‌زا در مراکز بهزیستی و توانبخشی در شهرستان شهریار سال ۱۳۸۵

صدیقه نصرتی، حسین توزنده جانی: کارشناس پرستاری، معصومه نمودیان: عضو هیئت علمی

مقدمه: معلولیت ذهنی یکی از عمده‌ترین مسائل جامعه بشری است که با عملکرد هوشی زیر حد طبیعی و اختلال در مهارت‌های انطباقی مشخص می‌گردد. شیوع این اختلال در حدود ۱ درصد جمعیت می‌باشد و در جنس مذکر ۱/۵ برابر جنس مؤنث است. معلولین ذهنی نیازهای تکاملی و مراقبتی منحصر به فردی دارند و مشکلات عدیده‌ای برای خانواده و جامعه ایجاد می‌کنند. بسیاری از خانواده‌ها به علت داشتن معلول ذهنی تحت تنش‌های جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی هستند و این فرزندان تأثیر مداومی بر ساختار و عملکرد خانواده دارند و والدین به صورت مختلف این تنش‌ها را تجربه می‌کنند.

هدف: هدف از این پژوهش شناسایی عوامل تنش‌زا و سازگاری والدین بوده است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی به منظور بررسی میزان سازگاری خانواده‌های دارای معلول ذهنی تحت پوشش مراکز بهزیستی و توانبخشی در شهرستان شهریار انجام گرفت. روش جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود که در سه بخش (۱) خصوصیات دموگرافیک (۲) عوامل تنش‌زا (۳) سازگاری والدین.

جامعه پژوهش شامل کلیه والدین دارای فرزند معلول ذهنی تحت پوشش مراکز تحت پوشش مراکز توانبخشی و بهزیستی شهرستان شهریار بود که ۸۸ نفر از والدین دارای معلول ذهنی که داوطلب به همکاری بودند به روش سرشماری جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش: در بررسی ۸۸ خانواده دارای معلول که ۵۱ درصد نمونه مادر و ۴۹ درصد پدر بودند و ۳۶ درصد دارای فرزند دختر معلول ذهنی و ۶۴ درصد دارای فرزند پسر معلول ذهنی بودند نشان داد که از نظر تنش پدران ۹/۵۲ درصد دارای تنش خفیف، ۳۸/۰۸ درصد دارای تنش متوسط، ۵۰ درصد دارای تنش زیاد و ۳۸/۳۸ درصد دارای تنش خیلی زیاد بودند. از نظر تنش مادران ۲/۲۲ درصد دارای تنش خفیف ۶۴/۴۴ درصد دارای تنش متوسط ۳۳/۳۳ درصد دارای تنش زیاد بودند. از نظر سازگاری پدران ۳۳ درصد دارای سازگاری

خوب و ۶۷ درصد دارای سازگاری متوسط بودند و از نظر سازگاری در مادران ۲۴/۴۴ درصد دارای سازگاری خوب، ۷۳/۳۳ درصد دارای سازگاری متوسط و ۲/۲۲ درصد دارای سازگاری کم بودند. لازم به ذکر است که ۹۴ درصد از والدین اظهار نگرانی و سرگردانی درباره آینده فرزندانشان بودند. ۸۲/۵ درصد وسایل و امکانات کافی جهت رسیدگی به معلول ذهنی خود نداشتند، ۴۹ درصد اظهار کردند که خیلی کم از سوی همسرانشان حمایت و محبت می‌شوند. ۳۳ درصد هم هرگز با افراد فامیل و دوستانشان رفت و آمد نداشتند، ۶۰ درصد از والدین اظهار کردند که خیلی کم یا هرگز به دیگر فرزندانشان نمی‌توانند رسیدگی نمایند و ۳۰ درصد از والدین هیچ وقت از نگرانی‌هایشان با افراد دیگر صحبت نمی‌کردند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که بین سطح تنش والدین، سطح استرس و شغل والدین، میزان سازگاری و شغل والدین از نظر آماری اختلاف معنی‌داری وجود داشت. اما از نظر سازگاری والدین و تنش بین مادران و پدران، ارتباط بین تنش و سازگاری با سطح درآمد و ارتباط بین تنش و سازگاری و سطح تحصیلات ارتباط آماری معنی‌داری وجود نداشت. متأسفانه اکثر والدین از داشتن چنین فرزندان‌ای احساس شرمندگی می‌کردند و در قالب موارد سعی در مخفی کردن آنها در انظار عمومی دارند که نشانگر این است که خانواده‌های دارای معلول ذهنی را نباید فراموش کرد و بایستی برنامه‌هایی برای حمایت بیشتر از این خانواده‌ها در نظر گرفت.

اضطراب والدین و کیفیت زندگی کودکان مبتلا به صرع

لیلا نیک روز، عبدالله پورصمد: دانشکده پرستاری و مامایی یاسوج

مقدمه و هدف: بیماری صرع از هر ۲۰۰ کودک در یک نفر اتفاق می‌افتد. میزان شیوع صرع در ایران ۱ تا ۳ درصد کل جمعیت برآورد شده است. این بیماری به عنوان مهمترین اختلال مزمن عصبی، کودک مبتلا و خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث بروز تنش در خانواده به خصوص والدین می‌شود لذا زمانی که آنان با بیماری مزمن کودکشان روبرو می‌شوند عکس‌العمل منفی نشان می‌دهند. بنابراین نویسنده قصد دارد که کیفیت زندگی کودکان مبتلا به صرع را در ارتباط با اضطراب والدین بررسی نماید.

محتوا: ۵۰-۳۰ درصد افراد مصروع مشکلات روانپزشکی را تجربه می‌کنند. خانواده‌های کودکان مبتلا به صرع نیز به دلیل استرس‌های مضاعف می‌تواند مشکلات روانپزشکی خاصی را از جمله خستگی مفرط، اضطراب، افسردگی و... را پدیدار نمایند. نتایج مطالعه لی ۲۰۰۸ که در مورد اضطراب والدین و کیفیت زندگی کودکان مبتلا به صرع انجام شد نشان داد به طوری که ۵۶/۲ درصد والدین اضطراب داشتند در این میان ۱۸/۵ درصد اضطراب متوسط، ۲۴/۴ درصد اضطراب خفیف و ۱۳/۲ درصد اضطراب شدید را گزارش کردند. فاکتورهای مؤثر در اضطراب والدین شامل تعداد حملات، میانگین درآمد ماهانه والدین و میزان دانش والدین در مورد صرع می‌باشد. در مطالعه سوریا ۲۰۰۸ درک شدت حملات و اثرات نامطلوب درمان‌های دارویی ضد صرع و تأثیرات منفی نگرش اجتماعی روی افراد مبتلا به صرع مورد توجه بوده است. که بیشتر اطلاعات اولیه در این مورد ناشی از گزارشات والدین می‌باشد. نتایج مطالعه ترانه تقوی لاریجانی ۱۳۸۵ نشان داد بین میزان تنش والدین کودکان مصروع با میزان سازگاری آنان ارتباط معنادار و معکوسی وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش میزان تنش والدین، میزان سازگاری آنان کاهش یافت.

نتیجه گیری: مشکلات والدین کودکان مبتلا به صرع شامل نگرش منفی نسبت به خود، اختلالات رفتاری، گوشه‌گیری، احساس گناه و سرزنش خود در مورد مقصر بودن در بروز بیماری کودک، ترس و نگرانی در مورد آینده نامعلوم کودک به لحاظ تحصیلی، شغلی، ازدواج، ترس از بروز مشکلات روانی، عاطفی در کودک، مشکلات مالی ناشی از هزینه درمان، ترس از داشتن

فرزند دیگر مبتلا به صرع، نگرانی در مورد عوارض داروها و صدمات حین تشنج می‌باشد. تمام این مسایل و مشکلات در بروز افسردگی و اضطراب در والدین کودک مصروع مؤثر هستند در نهایت اینکه اضطراب والدین به طور قابل ملاحظه‌ای با کیفیت زندگی کودکان مرتبط می‌باشد. بنابراین توصیه می‌شود که در درمان بیماری صرع درمان خانواده محور یا جامعه محور مد نظر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: اضطراب والدین، کیفیت زندگی، صرع کودکان.